

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

دنیا پورمند\*

## حیا، فضیلتی انسانی

### چکیده

موضوع این پژوهش، حیا فضیلتی انسانی می‌باشد. هدف کلی این پژوهش، معرفی حیا به عنوان فضیلتی انسانی و ضرورتی کلی برای همه انسانها و بیان وظایف بانوان در این زمینه و بررسی آثار و ارائه راهکار می‌باشد.

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که سلامت جامعه اسلامی و اهداف آرمان های شریعت و رشد اعتقادات مذهبی در همه ابعاد زندگی، ارتباط مستقیمی با حیا، پاک دامنی و سلامت اخلاق زنان و مردان جامعه دارد و عدم شناخت نسبت به ضرورت آن، باعث بروز عواقب ناخوشایندی در سطح جامعه می‌شود و هدف از تشریح این موضوع، حفظ سلامت جامعه و کمک به پیشرفت آن است؛ بنابراین می‌توان با تبیین آثار حیا و حجاب در همه عرصه ها و شناساندن عمق فاجعه با ارائه راهکارها به مسئولین فرهنگی و دولتی در جامعه در حفظ بنیان های اسلامی گامی بزرگ برداشت.

واژگان کلیدی: حیا، عفاف، حجاب، پاک دامنی، جامعه اسلامی، فطرت.

\* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

استاد راهنما: دکتر صدیقه رضایی استاد حوزه و دانشگاه

## طرح بحث

در طول سال‌های متمادی عمر روحانیت شیعه، هر جا روحانیون با منش و هویت روحانی خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و چه در هر میدان دیگری. شأن روحانی این است در هر جایی که حضور داشته باشد، می‌تواند تأثیرات بسیار گران‌بهایی برجای گذارد. در رابطه با حجاب و عفاف باید گفت طلبه وظایف و مسئولیت‌هایی دارد از جمله خودشناسی، خودسازی، آموزش در خانواده خود، امر به معروف و نهی از منکر آحاد جامعه خصوصاً بانوان و ...

حیا و حجاب مختص به زنان و مردان امروز نیست بلکه از ابتدای خلقت وجود داشته است. حیا و حجاب از دیدگاه‌های مختلف ضرورت و اهمیت بسیاری دارد. هر انسانی با مراجعه به عقل سلیم خود درمی‌یابد که باید خود را از دسترس بیگانگان دور ساخته و اجازه ندهد که دیگران به او تعدی کنند.

بهترین روش برای حفظ خود و جلوگیری از انحراف جامعه، رعایت حیا و حجاب در چهارچوب اسلامی است چراکه حیا و حجاب زن باعث می‌شود از هرگونه بی‌حرمتی و طمع و آزار دیگران در امان باشد و رعایت حیا و حجاب در بعد خانوادگی باعث ایجاد پیوند قوی‌تر بین زن و شوهر و استحکام بیشتر کانون خانواده می‌شود.

حفظ این قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ سبک زندگی اسلامی است... شأن یک خانم این است که در زندگی خویش، وقار، متانت، پرهیز از رفتار سبک، رعایت حجاب و عفاف، پرهیز از اختلاط با نامحرم و ... داشته باشند.

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که سلامت جامعه اسلامی و اهداف آرمان‌های شریعت و رشد اعتقادات مذهبی در همه ابعاد زندگی و غیره ارتباط مستقیمی با پاک‌دامنی و سلامت اخلاق زنان و مردان آن جامعه دارد و عدم شناخت نسبت به ضرورت آن باعث بروز عواقب ناخوشایندی در سطح جامعه می‌شود.



## الف. مفهوم حیا و حجاب، تفاوت و رابطه آن‌ها

### ۱. معنای لغوی حیا و عفاف:

مطالعه دیدگاه لغت‌شناسان در تعریف حیا، نشان می‌دهد که تقریباً همه آنان در یک مسیر حرکت کرده و تعریف‌های نزدیک به هم ارائه کرده‌اند. در این جا به برخی از این تعریف‌ها اشاره می‌شود:

واژه «حیا»، عبارت است از دگرگونی حال و اثرپذیری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۳)

حیا، انقباض (گرفتگی) نفس از زشتی‌ها و ترک آن به جهت زشت بودن. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰)

واژه «عفاف» به فتح عین، مصدر ماده «عَفَّ» می‌باشد که مصدر دیگر آن «عَفَّة» است و این دو دقیقاً به یک معنا می‌باشند و به جای یکدیگر به کار می‌روند. کتاب «العین» عفت را این گونه معنی کرده «العَفَّةُ الكَفُّ عما لَا یَحِلُّ»: عفت: خودداری از چیزی است که حلال نباشد. (فراهیدی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۹۲)

«راغب اصفهانی» می‌گوید:

«العِفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنِ غَلَبَةِ الشَّهْوَةِ»: عفت حالت درونی و نفسانی است که

توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی، ص ۵۷۳)

### ۲. معنای اصطلاحی حیا و عفاف:

حیا و عفت از اصطلاحاتی است که در علم اخلاق از آن بحث می‌شود و علمای اخلاق در تعریف آن گفته‌اند:

«حیا، ملکه‌ای نفسانی است که موجب انقباض نفس از فعل قبیح (کار زشت) و انزجار (بیزاری) آن از کار خلاف ادب می‌گردد. این کار به جهت ترس از سرزنش صورت می‌گیرد.» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۲۹)



در این تعریف از واژه انقباض استفاده شده است. روان انسان هنگام مواجهه با اموری که خوشایند ارزیابی می‌شوند، منبسط (گشوده و باز) می‌گردد و در مقابل، هنگام مواجهه با اموری که ناخوشایند ارزیابی می‌شوند، منقبض (گرفته و بسته) می‌گردد. هنگام حیا، روان انسان منقبض می‌گردد؛ از این رو در این تعریف از این واژه استفاده شده که بیانگر حقیقت یاد شده است. همچنین از واژه انزجار نیز استفاده شده که غیر از انقباض است و نشان می‌دهد که از دیدگاه این تعریف؛ حیا، همراه با انزجار و نفرت از موضوع حیا نیز هست. (رک: پسنیدیه، ۱۳۸۴، ص ۱۸ - ۱۹)

شهید مطهری «عفاف» را این گونه تعریف می‌کند: «عفاف و پاک‌دامنی یک حالت نفسانی است، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شرم نداشتن.»

عفت در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت یک مفهوم عام دارد که هرگونه خواهش نفس، میل و رغبت به لذات مادی را شامل می‌شود، عفت نیز دو مفهوم دارد: یک مفهوم عام که عبارت است از خویش‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن خودداری از تمایلات افراطی جنسی است. (قاضی زاده و سلمانی، ۱۳۸۶، ص ۹۱)

### ۳. معنای لغوی حجاب:

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع‌شدن صورت گیرد.

در قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان (علیه السلام) غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند:

«حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» یعنی تا آن وقت که خورشید در پشت پرده مخفی شد. (قصص / ۳۲)

پرده‌ی حاجب میان قلب و شکم را حجاب می‌نامند.



#### ۴. معنای اصطلاحی حجاب:

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است.

فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را که بهتر بود بجای این کلمه پوشش به کار می‌رفت زیرا معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده است عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

«وظیفه پوشش زن که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران و هند چنین چیزهایی وجود داشته است ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۷۸)

#### ۵. تفاوت عفاف و حجاب:

مسئله اصلی و بنیادین، عفت است، عفت فراتر از حجاب است، حجاب همان پوشش بیرونی است ولی عفت هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است. حجاب می‌تواند ربایی، تحمیلی، ظاهری یا غیر اختیاری باشد ولی عفت یک خصلت و ارزش اختیاری است.

عفت نمودهای گوناگونی دارد از جمله عفت در نگاه، عفت در راه رفتن، عفت در شهوت و غیره که در بحث‌های آینده به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، راه رفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است بنابراین برای سالم‌سازی جامعه باید دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

(مؤسسه جهانی سبطين (ع)، حجاب حریم پاکی ها، قم: ۱۳۸۶، ص ۵۲)



## ۶. رابطه عفاف و حجاب:

انگیزه حقیقی گرایش زن به حجاب احساس فطری یا غریزی شرم و حیا می‌باشد. شرم و حیا از زن نسبت به بیگانگان مانند غیرت در مرد است به عبارت دیگر درک و شعور فطری و الهام غریزی زن به حفظ خود از دستبرد نا اهلان برای ارزش وجودی خویش است.

شرم و حیا و عشق و اشتیاق به عفاف و پاک‌دامنی، تدبیر مکانیسمی است نهفته در خلقت و فطرت زن که او را وادار می‌سازد که گاهی به صورت ناخودآگاه خود را از چشم نامحرم بپوشاند به همین لحاظ وقتی احساس حجب و حیا را از دست می‌دهد در محیط ناامن اجتماع هم کشف حجاب می‌کند و به عکس وقتی احساس شرم و حیا در او زنده است در محیطی که امنیت کامل هم وجود دارد بازهم متمایل به پوشاندن خویش است. (مؤسسه جهانی سبطین (ع)، حجاب حریم پاکی‌ها، قم: ۱۳۸۶، ص ۵۸)

## ب. حیا، عفت ورزی و فلسفه حجاب

### ۱. ارزش عفت ورزیدن

قرآن کریم در مقام ترسیم شخصیت انسان مؤمنی که رستگار شده، عناصر متعددی مانند خشوع در نماز، خودداری از پرداختن به کارهای بیهوده، پرداخت زکات، امانت‌داری وفای به عهد و مراقبت از نماز را دخیل می‌داند. در این میان یکی از عناصر سازنده شخصیت مؤمنان رستگار که بر اساس بیان قرآن چهارمین عنصر می‌باشد رعایت حدود الهی در تأمین نیاز جنسی است که بی‌توجهی به این حدود را نشانه تجاوزکاری دانسته و مایه ملامت و توبیخ می‌داند. طرح این عنصر در کنار نماز و تأثیرگذاری این عنصر بر ساختار شخصیتی مؤمنان رستگار خبر می‌دهد.

در جایی دیگر خداوند از آماده‌سازی مغفرت و پاداشی بزرگ برای مردان و زنان با عفت خبر داده است. در روایات نیز از این صفت بسیار مدح و ستایش شده و چنین انسانی را به فرشته مانند کرده‌اند. (جمشیدی، ۱۳۸۷، صفحه ۱۲۵)

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ



لَكَادَ الْعَظِيمُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۸۶، ش ۴۳۰۵)

کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود اجرش بزرگ‌تر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد، انسان پاک‌دامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.

## ۲. آشنایی با مظاهر حیا و عفت جنسی:

عفت و حیای جنسی نمودهای گوناگونی دارد که در اینجا به برخی از نمودها و مظاهر اشاره

می‌شود:

- حیا در روابط جنسی:

مهم‌ترین ویژگی حیا و عفت، مهار شهوت در روابط جنسی است. خداوند متعال در قرآن کریم منحصر ساختن برقراری روابط جنسی را به همسر یا کنیز از جمله ویژگی‌های مردان بایمان ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ\* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون / ۵ و ۶)

آنان که دامن خود را از آلوده شدن به بی‌عفتی حفظ می‌کنند و تنها با همسران و کنیزان خود آمیزش جنسی دارند. پس به بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

در جای دیگر قرآن کریم افرادی را که شرایط ازدواج برایشان مهیا نیست به عفت فرا می‌خواند و آنان را از آلودگی در روابط جنسی باز می‌دارد.

«وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نور/۳۳)

کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند باید پاک‌دامنی پیشه کنند.

- حیا در پوشش:

نمود دیگر حیا، رعایت پوشش کامل است که خداوند متعال در آیات متعددی ویژگی‌های پوشش کامل زنان مسلمان را برمی‌شمارد.

اهمیت توجه به پوشش برای بانوان از آنجا روشن می‌شود که خداوند متعال نخست ضرورت



پوشش را متوجه زنان سالخورده‌ای کرد که امید به ازدواج ندارند و آنان را به کشف حجاب البته بدون تبرج و خودنمایی مجاز ساخت سپس فرمود: «...وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» (نور/۶۰)

اگر آن‌ها نیز (با پوشش خود) عفت پیشه کنند برای خودشان بهتر است.

- حیا در خودنمایی:

خویشتن‌داری از خودنمایی، مصداق دیگر عفت و حیا است.

قرآن کریم علاوه بر آن که در آیه ۳۳ سوره احزاب، عموم زنان را از خودنمایی نهی کرد در آیه ۶۰ سوره نور زنان سالخورده را مجاز به برداشتن لباس‌های رویین همچون چادر و روسری ساخت ولی این حکم را به پرهیز از آرایش و تبرج منوط ساخت. از این آیه شاید بتوان تأثیر بیشتر تبرج را نسبت به کشف حجاب در تحریک جنس مخالف استفاده کرد.

- حیا در نگاه:

امام سجاد (علیه‌السلام) خویشتن‌داری و فروبستن از نگاه حرام را از دیگر مصداق‌های عفت برشمرده‌اند. حضرت در مقام دعا برای همسایگان و دوستان خود عرضه می‌دارند:

«وَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ...اغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَفَّةً»:

خدایا مرا آن گونه قرار بده که چشم خود را از روی عفت ببندم.

امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) نیز نشانه پارسایی فرد را عفت او در نگاه دانسته و فرموده‌اند:

«وَمَنْ وَرَعَهُ عَفَّةً بَصْرَهُ وَ عَفَّةً بَطْنَهُ» از تقوای شخص، عفت او در نگاه و شکم است.

- حیا در راه رفتن:

قرآن کریم با ستایش از طرز راه رفتن دختر شعیب (علیه‌السلام) در معابر عمومی و در برابر نامحرم می‌فرماید:

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...» (قصص/۱)

یکی از آن دو دختر به سراغ موسی آمد درحالی که با نهایت حیا قدم برمی‌داشت.





- حیا در اختلاط با نامحرم:

دقت در روایت پیش گفته این نکته را بیان می کند که پرهیز از اختلاط با نامحرم از دیگر ویژگی های زنان و مردان با حیا و عقیف به شمار می رود.

خداوند متعال در نقل آن فراز از داستان حضرت موسی (علیه السلام) که به دروازه شهر مدینه رسیده بود، داستان دو زن را یادآور می شود که کمی دورتر از مردانی که برای آب دادن به دام های خود اطراف چاه حلقه زده بودند تنها به جمع و جور کردن گوسفندانشان مشغول بودند. وقتی حضرت موسی (علیه السلام) داستان آنان را جو یا می شود آن ها می گویند: تا زمانی که مردان از دور چاه پراکنده نشوند (و ما نتوانیم بدون اختلاط با مردان گوسفندانمان را سیراب سازیم) به آب کشی نمی پردازیم. این آیه پرهیز از اختلاط میان مردان و زنان را تأیید می کند. (حسین زاده، ۱۳۸۵، صفحه ۳۳)

### ۳. فلسفه حجاب:

زن، این موجود ظریف، مظهر جمال خلقت است و اسلام می خواهد این گوهر گران بها در گنجینه حجاب مستور باشد تا از آفات هوس ها مصون بماند.

از طرفی حجاب نوعی ارزش و احترام برای زنان به دنبال می آورد تا نامحرمان هوسران آن ها را به دیده حیوانی ننگرند.

قرآن کریم درباره فلسفه حجاب می فرماید:

«حجاب برای این است که زنان شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند.» (نور/۳۰)

زن تا زمانی که در غنچه حجاب است هیچ کس هوس چیدن آن را نمی کند اما همین که این حجاب کنار رفت و این غنچه باز شد آن را خواهند چید و پس از چند روز که پژمرده و پرپر شد به کناری خواهند افکند.» (اکبری، ۱۳۸۰، صفحه ۷۰)

تنها عامل خوشبختی در شکل زندگی زن پوش است. فلسفه پوشش زن، تحکیم روابط زناشویی در محیط خانوادگی و ازدواج مشروع است.

آنچه اسلام می خواهد این است که تمام علاقه و توجه زوجین به یکدیگر باشد و همسر تنها



به شوهر خویش چشم بدوزد. حجاب امری فطری است که از نهاد و سرشت انسان برمی‌خیزد به این معنا که هر موجود زنده‌ای مایل است آنچه دارد در حریم خود حفظ کند و در مقابل مهاجمین و متجاوزین به آن در مقام دفاع برآید و به مقابله برخیزد.

حجاب و بدحجابی هم مانند سایر کارهای انسان دارای حسن و قبح ذاتی است و به همین دلیل حجاب یک ارزش و بی‌حجابی یک ضد ارزش است.

مشکلی که همه متفکرین و صلحای اجتماع را به چاره‌اندیشی واداشته است روابط آزاد زنان و مردان به ویژه دختران و پسران است. سرچشمه مشکلات اخلاقی و جنسی جوانان که زنجیری به دست و پای آن گذارده است از اینجا شروع می‌شود.

در حال عصیان برهنگی عصر ما دردی است شناخته شده که اگر به درمان آن نپردازیم دیر یا زود با کابوس وحشت‌زای مرگ سیاه و عذاب دردناک روبرو خواهیم شد.

از آنجا که این امر با سرنوشت ما که همان سعادت یا شقاوت است ارتباط مستقیم دارد آنچه به عنوان پیشگیری می‌توان برای درمان قطعی این بی‌نظمی و نابسامانی‌ها و بیماری‌های روانی و سعادت جامعه تقدیم داشت فقط یک چیز است و بس، ایمان به کتاب آسمانی و اجرای آیین‌نامه آن.

تفاوت عمده فرهنگ جدید غربی و فرهنگ اسلامی در تعریف انسان منعکس می‌شود اگر انسان برحسب فرهنگ غربی موجودی است که معنویت، فرع و روبرنای زندگی مادی است در فرهنگ اسلامی موجودی است که معنویت، کمال مطلوب و غایت و نهایت زندگی او است.

معنویت کمالی است که با مراقبت و تلاش و با دقت در بکارگیری و بهره‌وری به اندازه همه مواهب جسمی و روحی برای انسان حاصل می‌شود.

نکته مهم این است که در اسلام معنویت و روحانیت به هیچ‌روی در مقابل مادیت و جسمانیت قرار نگرفته است و چنان نیست که انسان مجبور باشد برای رسیدن به حقیقت معنوی واقعیت مادی خویش را نابود سازد.

معنویت اسلامی رقیب مادیت نیست که بخواهد حریف آن را به نفع خود از میدان به در کند بلکه هدایت‌کننده و کنترل‌کننده جسمانیت و مادیت است.

آزادی مطلق در اعمال غرایز جامعه‌ای انسانی را به صورت جامعه‌ای حیوانی درمی‌آورد که



زندگی در آن هیچ قیدوبندی ندارد.

یکی از عوامل بزرگی که می‌تواند جامعه‌های شرقی را در برابر هجوم فکری و فرهنگی غربی که یکی از وجوهش وجهه زن مدرن است توانایی مقاومت ببخشد، داشتن فرهنگ غنی، تاریخ پر از زیبایی و تجربه و ارزش و عقیده و همچنین داشتن حقوق انسانی مترقی و بالأخص داشتن چهره‌های بسیار پرشکوه و کامل انسانی و مذهب و تاریخ آن قوم است که اگر این چهره‌ها دقیقاً شناخته شوند و عالمانه و آگاهانه با بینش علمی و نو بازشناسی شده و یادشان احیا شود و دو مرتبه شخصیت و رسالتشان طرح شود، نسل جدید احساس خواهد کرد که برای نجات از سنت‌های کهنه لزومی ندارد که به دعوت‌های منحرفانه غرب به نام مدرنیسم پاسخ مثبت بدهد بلکه خود الگوهای بسیار متعالی برای پیروی و برای خودسازی دارد و در رأس همه این نمونه‌های متعالی فاطمه (سلام‌الله علیها) قرار دارد.

اگر کشوری می‌خواهد مستقل باشد معنایش این نیست که فقط دروازه‌هایش را به روی دنیا محدود کند [بلکه معنایش] این است که سنتش را حفظ کند، شخصیت‌هایش را حفظ کند و همین است معنای استقلال واقعی.

پس لباس، دست کم پاسخگوی سه نیاز آدمی است: یکی این که او را از سرما و گرما و برف و باران حفظ می‌کند، دیگر این که در جهت حفظ عفت و شرم به او کمک می‌کند و بالاخره به او آراستگی، زیبایی و وقار می‌بخشد. (قاسمی، ۱۳۷۹، ص ۷۰)

#### ۴. حیا و حجاب احیاگر ارزش‌های متعالی:

اگر زنان دارای حجاب باشند همه مثل هم می‌شوند، امتیازات ظاهری و زیبایی‌های جسمی، زیور و مقام محو می‌گردد، آنگاه ذهن‌ها متوجه ارزش‌های واقعی نظیر علم، ادب، هنر و اخلاق می‌شود و در تحصیل آن‌ها کوشا می‌گردد. در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را به سرعت طی خواهد کرد.

پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«الْعَفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ» عفت، زینت زنان است. (فرید تنکابنی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۲، ش ۱۰)



**۵. ابعاد حجاب:**

حجاب به دو بعد ظاهری و معنوی تقسیم می‌شود:

بعد ظاهری:

ماده و جسم عامل اصلی است و اشیاء و اجسام به وسیله مواد دیگر پنهان می‌شود مثلاً دیوار خانه و پرده، پوششی است که داخل خانه را محافظت می‌کند و لباس مانع ظاهری و پوششی است که بدن را پنهان نگه می‌دارد و پوشش پرده‌ای است که خانواده را از آنچه سلامت و امنیت آن را از بین می‌برد دور می‌سازد. حفظ و نگهداری خانواده توسط پوشش تأمین می‌شود.

پوشش ممکن است به صورت دیوار خانه، چادر صحرائی و یا چوب و غیره باشد. پوششی که افراد را در خود پنهان و آن‌ها را از خطرات اجتماعی حفظ می‌کند و اموال آن‌ها را از دستبرد مصون می‌دارد همان دیوار است و در خانواده‌ها نیز پوشش‌هایی تودرتو وجود دارد و لازم به ذکر است که پوشش‌ها همیشه در معرض فروریختن و دریده شدن می‌باشند.

بعد معنوی:

مفهوم و معنی پوشش در رابطه با بیان و اندیشه و تفکر و رفتارهای مربوط به آن می‌باشد. پوشش یک حد و مرز متعادل بین دو محیط فطری و موازین عقل در افراد را برقرار می‌سازد.

(کمالی، ۱۳۸۵، صفحه ۲۳۸)

**۶. اقسام حجاب:**

- حجاب ذهنی، فکری و روحی:

اعتقاد به معارف اسلامی مانند توحید و نبوت از مصادیق حجاب ذهنی است که می‌تواند از لغزش‌ها و گناهان روحی و فکری که بر اثر آن احیای فطرت و جلوگیری از آلوده شدن آن به وجود می‌آید انسان به خدا ایمان آورد و از به وجود آمدن کفر و شرک جلوگیری کند.

- حجاب در رفتار:

کسی که طبق فطرت پاک به خدا و روز جزا ایمان بیاورد و افعال خویش را کنترل کند.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور/۳۰)



ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشانند.

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» (نور/۳۱)

و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

- حجاب در گفتار:

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است.

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب/۳۲)

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید.

## ۷. پایه‌های حجاب:

ایمان به خدا و آخرت: ایمان به خدا و ترس از آخرت از مهم‌ترین پایه‌های حجاب به شمار



می‌رود، وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان می‌آورد و معتقد گردد، احکامی که برای انسان تشریح کرده است، بدون نقص و دارای فواید و آثار مثبتی است و همچنین باور کند که بی توجهی به احکام خدای تعالی نابودی دنیا و عذاب آخرت را به همراه دارد، از حکم الهی حجاب استقبال می‌کند.

تقوا: پرهیزکاری یکی دیگر از پایه‌های حجاب اسلامی است و تقوای آدمی ضامن اجرای احکام خداست و تا این پایه قوی در قلب خانمی شکل نگیرد لباس تقوا در بر نخواهد کرد. ایمان بدون تقوا انسان را به سر منزل مقصود نخواهد رساند.

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«لَا كَرَمَ اعْزُ مِنَ التَّقْوَى» هیچ کرامتی عزیزتر از تقوا نیست. (محمدی ری شهری، ص ۶۰۴،

ش ۶۶۶۳)

تحصیل تقوا در گرو علم و عمل به معارف الهی، قرائت آیات و روایات، محاسبه نفس و استمداد از خدا و توسل به پیامبر و اهل بیت او (علیه‌السلام) است. (رشیدی، ۱۳۸۵، صفحه ۳۶)

## ج. بی‌حیایی، بدحجابی و پیامدهای آن

### ۱. علل پیدایش بی‌حیایی و بدحجابی:

فاجعه با غفلت از هویت معنوی انسان آغاز شد، وقتی که همه وجود زن در جسم او منحصر گشت و آنگاه چشمان آزمند دنیاپرستان، زن را چونان طعمه‌ای برای گرمی بازار سرمایه برگزید و او را در مسلخ پول قربانی کرد. عشق آن لطیفه معنوی که آکنده از رمز و راز بود، جای خود را به سکس داد و سکس در خدمت اقتصاد قرار گرفته بود و زاینده هزار صنعت و تولید و گرداننده هزار بازار مصرف شد. دست کم یک سوم مجلات میزهای روزنامه فروشان غربی «چشم‌نامه» است و شمار این مجلات از همه نشریات بیشتر و درآمدش افزون‌تر است و کار تا آنجا بالا می‌گیرد که صادرات این‌گونه مجلات در اقتصاد کشورهای غربی سهمی عمده پیدا می‌کند.

اجرای برنامه کشف حجاب در ایران نیز محتاج دو شرط بود:



نخست یک زمینه فرهنگی و اجتماعی برای پذیرش لباس غربی و سپس یک عامل اجرا که زور داشته باشد و به اسلام اعتقاد نداشته باشد.

عامل دوم، رضاخان مأمور و سرسپرده دولت استعمارگر انگلیس بود که وظیفه داشت ایران را از حضيض ذلت به اوج عزت برساند و از هر گمراهی به شاهراه ترقی هدایت نماید و در پی اجرای همین مأموریت موظف بود به زور لباس مردان را متحدالشکل کند و بر سر همه آن‌ها کلاه پهلوی بگذارد و چادر را نیز از سر زنان بردارد.

هر آنچه در عالم امروزی فساد و انحطاط وجود دارد در پشت آن دست یهود را می‌توان دید در کنفرانس سال ۱۸۹۷ در سوئیس به سیصد نفر از دولتمردان یهود امر به فساد عالم و تخریب اخلاق و عقاید جامعه و سیاست و اقتصاد می‌شود. (ر.ک: قاسمی، صفحه ۱۲۳)

## ۲. ریشه‌های بی‌حیایی و بی‌حجابی:

- هوسرانی: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند:

«إِيَّاكُمْ وَالْهَوَىٰ فَإِنَّ الْهَوَىٰ يُعْمَىٰ وَ يُصِمُّ» از هوس بپرهیزید که هوس انسان را کور و کر

می‌کند. (فرید تنکابنی، نهج الفصاحه، ص ۶۶۰ ش ۸)

- کسب موقعیت

- ضعف ایمان

- دیگرآزاری که ریشه خودنمایی و بدحجابی بسیاری از زنان عقده شده است

- ارضای تمایلات

- صید دل‌های مردان

- غرب‌زدگی

- زیبایی

- ازدواج

- ضعف حیا: این صفت از سستی اعتقاد به مبدأ و معاد سرچشمه می‌گیرد.

بی‌حجابی از مصادیق بارز بی‌حیایی است که از ضعف ایمان ناشی می‌شود.



پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرموده است:

«خدا، حیا و پوشیدگی بندگان را دوست دارد.» (رشیدی، حریم عفاف و حجاب از دیدگاه آیات

و روایات، صفحه ۳۷)

### ۳. آثار بی‌حیایی و بدحجابی:

بی‌حیایی و بدحجابی و عدم حفظ تحریم‌های جنسی، سبب خدشه در آسایش فرد و جامعه می‌شود در اینجا به برخی از آثار بی‌حیایی و بدحجابی اشاره می‌شود:

- ایجاد عقده‌های روانی:

از نظر روان‌شناسی، نگاه، بیشترین تأثیر را در ایجاد رغبت و انگیزه‌های تمایلی می‌گذارد و تعادل روحی فرد را مخدوش می‌نماید درهرحال واقعیت آن است که بیماری‌های روانی در کشورهای غربی بسیار بیشتر از کشورهایی است که افراد آن، حریم عفت و حیا را رعایت می‌کنند زیرا شکسته شدن حریم‌های جنسی و سرکوب امیال جنسی سبب ایجاد سرخوردگی‌های روحی می‌شود و زمینه عقده‌های فروخورده روانی را فراهم می‌کند.

- احساس بی‌هویتی و گرایش به نهیلیسم و پوزیتویسم:

فردی که به گوهر گران‌بهای جنسیت و عفاف و مناسبات آن بی‌توجهی می‌کند از لحاظ روانی خود را بیشتر در معرض بی‌هویتی قرار می‌دهد و زیرساخت لایه‌های گرایش به مکاتب فلسفی و پوچ‌گرا مثل نهیلیسم و پوزیتویسم را در خود فراهم می‌نماید. چنین افرادی احساس تنهایی می‌کنند وجود خویش را بی‌ارزش انگاشته دچار انواع بیماری‌ها و افسردگی‌ها می‌گردند تا جایی که ممکن است بر اثر عدم تعادل روحی و روانی دست به خودکشی بزنند.

- اضطراب درونی از افشای راز بی‌عفتی و تباهی شخصیت:

این‌گونه افراد به صورت مداوم در حال اضطراب و تشویش به سر می‌برند از این‌رو دارای شخصیتی متزلزل و کم‌اعتماد هستند و در ضمیر ناخودآگاهشان ترس‌های ناشناخته و آسیب‌هایی عمیق به وجود می‌آید.





- ایجاد زمینه خشونت جنسی:

بی‌حجابی زنان، مردان را دچار ناآرامی روحی و روانی می‌کند و ایشان را در یک التهاب دائمی قرار می‌دهد بنابراین برهنگی زنان در جامعه در مردان و جوانانی که توانایی ازدواج ندارند نوعی تحکیم و دائم‌گریزه ایجاد می‌کند و اگر خوددار نباشند به خودارضایی دست می‌زنند و در نتیجه دچار ناهنجاری‌های روانی و بیماری‌های عصبی و جسمی می‌شوند و عده‌ای نیز پا فراتر نهاده، با هم‌جنس‌گرایی و روابط نامشروع سعی می‌کنند شعله‌های فروزان این میل آتشین را فروبشانند و یا این‌که با خشونت جنسی به آزار و اذیت زنان و دختران بپردازند.

- تزلزل خانواده‌ها و افزایش طلاق:

یکی از تخریب‌های اجتماعی بی‌عفتی و بی‌حجابی، سست نمودن بنیان خانواده‌ها است. کم‌رنگ شدن روابط خانوادگی میان زن و شوهر و دل‌سرد شدن آن‌ها از یکدیگر و بروز اختلافات و به دنبال آن طلاق و جدایی، امنیت اجتماعی جامعه را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

- بلوغ زودرس جنسی در جوانان:

امروزه جامعه شناسان و روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از دلایل پایین آمدن سن بلوغ جنسی در دختران و پسران، ارتباط دائم با صحنه‌های تحریک‌کننده جنسی است. از زیان‌ها و آسیب‌های بلوغ زودرس در دختران و پسران می‌توان بروز اختلالاتی در دستگاه زایش و سایر اعضای بدن نام برد که موجب به وجود آمدن نسلی ناسالم و بیمار در جامعه می‌شود.

- بدآموزی:

اصولاً فرزندان از رفتار و کردار بزرگان خود درس می‌گیرند و در بسیاری از کارها آنان را الگوی خویش قرار می‌دهند. در جامعه‌ای که بی‌عفتی رواج یافته باشد، کودکان ناخودآگاه از آن به عنوان الگو استفاده می‌کنند و این‌گونه شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد و در نتیجه نسلی بی‌بندوبار در جامعه رشد خواهد کرد.

- فرزندان نامشروع و افزایش سقط جنین:

در جامعه‌ای که بی‌بندوباری به عنوان فرهنگ و از امور طبیعی محسوب می‌شود و در روابط



زنان و مردان هیچ حریمی نباشد، سقط جنین و ایجاد فرزندان نامشروع افزایش می‌یابد که از نظر اسلامی و دینی سقط جنین به عنوان قتل نفس، گناه شمرده می‌شود (اسراء/ ۳۳، مائده/ ۳۲) همچنین از نگاه روان‌شناسی فرزندان نامشروع بیش از سایرین در معرض سقوط در ناهنجاری‌های اجتماعی، از قبیل قتل و خشونت و انواع جرائم قرار دارند.

- ایجاد غفلت:

یکی از آثار شوم بی‌عفتی به ویژه در جامعه دینی و اسلامی ایجاد غفلت از یاد خدا است. اگر مردان و زنان حریم الهی را بشکنند و به یکدیگر مشغول شوند به تدریج یاد خدا از دل‌هایشان بیرون می‌رود و عبادت الهی در آنان کمرنگ می‌گردد

ملتی که عبادت و یاد خدا را فراموش کند مستحق عذاب الهی خواهد بود (طه/ ۱۲۴ - ۱۲۶)

بنابراین افراد بی‌بندوبار با تضييع حقوق سایر شهروندان، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند.

(کمالی، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۰، صفحه ۱۸۷)

#### ۴. راه‌های مبارزه با بی‌حیایی و بدحجابی:

- تقویت ایمان و اعتقاد:

در زن باید باور و ایمان عمیق و استوار ایجاد شود. زنی که دل به حق داده و اندیشه به خدا سپرده و فرجام زندگی دنیوی‌اش را پذیرفته است چطور حاضر می‌شود خودآرایی و خودنمایی کند و خود را در معرض نگاه‌های آلوده قرار دهد و زمینه‌های تلذذ دیگران و فساد آفرینی را به وجود آورد؟!

این جمله حضرت علی (علیه‌السلام) که فرمود:

«المرء بایمانہ؛ شخصیت انسان در گرو باورهای اوست» و «المؤمن بعمله؛ ایمان انسان در

عمل او جلوه‌گر است»

نشانگر آن است که باورهای درست و ایمان‌های راسخ، عالی‌ترین نقش را در کیفیت زندگانی

انسان ایفا می‌کنند.



- احیاء فرهنگ اصیل اسلامی:

احیاء ارزش های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش ها و آفریدن روح تعبد و تعهد در وی، نقش مهمی در این زمینه خواهد داشت. زن مؤمن باید به آنچه اسلام به عنوان ارزش بدان می نگرد باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه ای والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی است که او را به روشی انسانی و منشی اسلامی فرا خواهد خواند و بداند تن آرایه بسته و ظاهر فریبنده، هرگز نمایشگر شخصیت او نیست.

اینک کلام بیدارگر حضرت مسیح (علیه السلام) را می آوریم که فرمود:

«بحق اقول لكم ماذا يعني عن الجسد اذا كان ظاهره صحيحاً و باطنه فاسداً و ما تغني عنكم

اجسادكم اذا عجبتمكم و قد فسدت قلوبكم و ما تغني عنكم ان تتقوا جلودكم و قلوبكم و نسته»؛

به حق برای شما می گویم: تن چه سودی دهد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه، بدن های شما چه سودتان دهد که خوششان دارد و دل هایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگاه دارید و دل های شما چرکین باشد. (قاسمی، صفحه ۱۵۸)

## د. آثار سازنده حیا و حجاب و راه های گسترش آن

### ۱. آثار و فواید حیا و حجاب:

- حیا، حجاب و مسئولیت های اجتماعی:

هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است، این مسئولیت عام است؛ یعنی هم شامل زن ها می شود و هم شامل مردها. پاره ای از مسئولیت های زنان به حجاب آنان بستگی دارد.

زن اگر حیا و حجاب داشته باشد، بار این گونه مسئولیت ها را بر دوش می گیرد و شخصیت و عظمتش بالا می رود؛ اما اگر جامعه، حیا و حجاب را از تن بدرد از عهده انجام این گونه مسئولیت ها برنمی آید.

- حیا، حجاب و سلامت اخلاق جامعه:

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق خانواده لطمه می زند ریشه کن شود و هرچه سلامت اخلاق



جامعه را تضمین می‌کند تقویت گردد.

زن با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پابرجا می‌سازد و بیهوده افراد را تحریک نمی‌کند و هوس‌ها را برنمی‌انگیزاند و مردها را به مفسده نمی‌کشاند. زن با پذیرش حجاب اسلامی بزرگ‌ترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها و جوان‌ها و بالاخره جامعه می‌کند؛ زیرا اخلاق و پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌بخشد.

- حیا، حجاب و شخصیت زن:

شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هرچه به یک شخص مربوط می‌شود بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست.

علو شخصیت زن در این است که کمال همسری و کمال مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود.

- حیا، حجاب و استحکام خانواده:

شک نیست که هرچه موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول گردد و بالعکس هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان شود زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

بنابراین زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند؛ چراکه با حجابشان اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی خود جلب می‌کنند و باعث استحکام خانواده می‌گردند؛ اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند.

- حیا، حجاب و آزادی زن:

این که زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان با حجاب در فعالیت‌ها و رفت و آمدهای خود آزادترند؛ زیرا مردان بوالهوس، اطمینان دارند که این‌ها طعمه و ملعبه



نمی‌شوند، بنابراین کمتر بر آن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کنند.

زنان باحجاب، مظهر عفاف شناخته شده‌اند و لذا در خانه و خارج خانه مزاحمتی ندارند و آزادانه دنبال کارها و مسئولیت‌های خویش‌اند.

- پاکی و طهارت:

در قرآن مجید در موارد بسیاری تصریح شده است که فلسفه فلان حکم، طهارت است، خداوند نمی‌خواهد که شما را به مشقت بیندازد بلکه می‌خواهد که شما را طهارت بخشد در اسلام، اصل، پاکی و طهارت قلوب و ارواح است و هر کاری که به این اصل لطمه بزند مردود و مبعوض است. پاکی و طهارت زن رمز موفقیت او در خانواده و اجتماع است. چنین زنی برای شوهر، همسری ایده آل و برای فرزندان، مادری نمونه و برای اجتماع، خدمت‌گذاری مهربان است.

- نقش دفاعی حیا و حجاب:

در این مقام به جا است بار دیگر به نقش و اهمیت حیا، حجاب و پوشاندن زن از مردان بیگانه توجه گردد که اگر همراه با ایمان و تقوا باشد صد در صد از کید و مکر و اغفال و فریب مردان پست و پلید در امان خواهد بود؛ زیرا از برکت ایمان و تقوا، یعنی حجاب درونی، فاسدان بر دل او راهی ندارند تا در آن نفوذ کرده و آن را منقلب سازند.

صرف نظر از این که به جهت محجوب بودن و پوشیده ماندن اعضاء و جوارح حساس و حتی صورت زن از اغیار، نه مورد توجه مفسدان و اغفالگران واقع می‌شود و نه آنان به زنی که مورد توجه واقع نشده طمع می‌یابند و اگر زن از مراتب کمال ایمان و تقوا هم بی‌بهره باشد باز حجاب ظاهری و چادر سیاه که کمتر از بی‌حجابی و چادر رنگی جلب توجه است، در دفع بلا نقش مؤثری دارد.

- حیا، حجاب و جاذبه:

اصولاً ارتباط کمتر و دوری از شیء مطلوب، جذابیت آن را بیشتر می‌کند؛ بنابراین پوشش زن، جذابیت او را در نظر مخالف افزایش می‌دهد و تلاش پیگیرش را برای وصال فزونی خواهد بخشید.



زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب، خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مسئله جاذبه نیرومندی به آن‌ها می‌داد، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی، از خودشان نشان می‌دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شد از میان می‌رود و همراه آن جاذبه جنس او هم کاسته می‌شود.

- حیا، حجاب و جواهرات:

زن ایده آل اسلام که بهشت جایگاهش خواهد بود همچون یاقوت و مرجان و سایر جواهرات اصلی است که جواهرفروشان آن‌ها را در پوشش مخصوص قرار می‌دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرند.

«آن‌ها زنان زیبا و باحیا هستند که پیش از آنان، دست هیچ‌کس به آن‌ها نرسیده، گویی یاقوت و مرجان‌اند.» (الرحمن/۵۶-۵۸)

زنان ایده آل قرآن، «كالمثال اللؤلؤ المكنون» یعنی مروارید پوشیده در صدف یا جواهرات بدلی است که هر جا بدون پوشش به چشم می‌خورند.

- حیا، حجاب و حس احترام:

باید توجه داشت که هم رفاه حال زن و هم صلاح و مصلحت خود مرد (از نظر سلامت نفس و سعادت واقعی او) در آن است که ارزش وجودی زن را به معیار و الگوهای آسمانی دریابد و درک کند تا در مراعات حریم او، خود را موظف به خویشتن‌داری بداند و در این صورت تماس از ورای حجاب همراه با پاک‌نگری کافی است که هم زن را در جامعه تبدیل به موجودی شایان احترام نماید و هم مرد را از گزند و آفت دیدار جمال زن - که خود در حکم دامی است بر سر راه صاحبان قلوب پاک و آفتی برای صاحبان ایمان واقعی - مصون دارد.

- حیا، حجاب و سلامت جسمانی:

حیا و حجاب زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است از بین می‌برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید.



- حیا، حجاب و شجاعت حقیقی:

معنی ترس زن با حیا و حجاب از مرد به علت علم و آگاهی از غایت مراتب ناامنی ظاهری و باطنی از ناحیه مردی که به این سادگی نمی‌تواند میل خود را مهار کند و از جمال هر زنی درگذرد و نیز مراقبت‌ها و پیش‌بینی‌های لازم و پیشگیری از ناامنی‌هایی است که در ذات چنین ترس و خوفی، خود ناشی از دو امتیاز روحی و اخلاقی موجود در اوست:

یکی شهامت و شجاعتی است که در مهار نفس و پیشگیری از خودنمایی و عرضه خود به هر مرد و نامردی دیده می‌شود و دیگری حصول علم و معرفت در احوال خود و دیگران و درک موقعیت زمانی خویش است؛ یعنی با علم و آگاهی کامل نسبت به ناامنی جهان و درک ارزش‌ها و سرمایه‌های والای خدادادی (عفت، عصمت و عاطفه) در مقام دفاع از عزت و شرف و ارزش و احترام خود و حفظ کامل عفت و عصمتش، حجاب را به عنوان سنگر دفاعی وسیله مقابله با آن شهوت و هوس‌های حیوانی اغیار، انتخاب می‌نماید؛ پس مسلم است که وقتی معرفت «خوف یا ترس» از مردی، حاصل شود، می‌تواند خود از شجاعت سرچشمه گیرد به خصوص وقتی که زن حد‌اعلای شجاعت را در اعمال و رفتار خود عملاً نیز نشان داده باشد، چه این که خود حجاب، نشانه اعراض از خودنمایی و عرضه زن است به مرد بیگانه.

بنابراین شجاعت و شهامت واقعی از آن زنی است که از عهده مهار نفس برآید و از میل خودنمایی و جلب نظر مردان با پوشش و آرایش شهوت‌انگیز در جامعه بپرهیزد. (کمالی، صفحه ۲۲۵)

## ۲. نقش زنان در ایجاد و تحکیم عفت عمومی

زنان و مردان به شیوه‌های گوناگون می‌توانند در ایجاد و تحکیم عفت عمومی مشارکت داشته باشند. توجه به این نکته ضروری است که در جانوران، جنس مؤنث جایگاهی ویژه و مطلوبیتی خاص نزد جنس مذکر دارد. انسان‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیستند. به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است:

مردم را حبّ شهوات نفسانی، از میل به زنها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسبهای



نشان دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دلفریب است، (لیکن) اینها متاع زندگانی (فانی) دنیا است و نزد خداست منزل بازگشت نیکو.» (آل عمران/۱۴)

صرف نظر از این که زینت دهنده اموری که در این آیه به آن‌ها اشاره شده چه کسی باشد این آیه حاکی از آن است که زن در نظر مرد از جلوه دیگری برخوردار و مطلوبیت ویژه‌ای دارد. به منظور هدایت میل جنسی، خداوند متعال تکالیفی برای زن و مرد معین ساخته است که در این مجال به بیان تکالیف زنان در این باره پرداخته می‌شود:

- خودداری از اظهار زیبایی‌ها:

در آیه ۳۱ سوره نور همان‌طور که در قسمت‌های قبل اشاره شد از زنان خواسته شده عفاف و پاک‌دامنی پیشه کنند و راه آن را به ایشان نمایانده است و از آنان خواسته آرایش و زیور خود را جز برای همسر و محارم و برخی دیگر که دیدن زیبایی‌های زن برای آن‌ها هیچ جذابیتی ندارد آشکار سازند.

دستور پوشاندن زیبایی‌ها از زنان سالخورده‌ای که مورد رغبت مردان قرار نمی‌گیرند مشروط بر این که در صدد جلب توجه دیگران برنیایند برداشته شده است ولی به آن‌ها نیز گوشزد می‌شود که

«وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور/۶۰)

و عفت ورزیدن برای آن‌ها بهتر است و خدا شنوای داناست.

در آیات ۵۹ سوره احزاب به گونه‌ای دیگر مشارکت زنان در ایجاد و تحکیم عفت عمومی اشاره شده و در این رابطه می‌فرماید:

ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تراست و خدا آمرزنده مهربان است.

از این آیات استفاده می‌شود که آشنایی زنان با صفت حیا و عفاف، در رفتارشان تأثیرگذار است و این رفتار موجب عدم تعرض بیماردلان می‌شود زیرا طبیعی است وقتی زنان در رفتار خود عفاف را رعایت کنند، زمینه تحریک مردان از بین رفته و فضا برای رفتارهای طبیعی آماده می‌شود.





درباره این که چرا دستور پوشش بیشتر متوجه زن است و در موارد متعددی از او خواسته می‌شود تا خود را بپوشاند شهید مطهری می‌فرماید:

اگر می‌بینیم که وظیفه پوشش به زن اختصاص داده شده است از این جهت است که ملاک آن مخصوص زن است. زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است که قهراً به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار ندهد نه به مرد. لہذا با این که دستور پوشیدن برای مرد مقرر نشده است، عملاً مردان پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می‌روند زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است نه به خودنمایی و برعکس تمایل زن بیشتر به خودنمایی است نه به چشم چرانی، تمایل مرد به چشم چرانی بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می‌کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در زنان وجود دارد لہذا مردان کمتر تمایل به خودنمایی دارند و به همین جهت تبرز از مختصات زنان است.

- خودداری از نیکو سخن گفتن:

یکی دیگر از راه‌های مشارکت زنان در ایجاد و تحکیم عفاف، خودداری از سخن گفتن به نرمی و نازکی زنانه است که موجب تحریک بیمار دلان می‌گردد.

قرآن کریم در آیه‌های ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب همان‌طور که در قبل اشاره شد چنین می‌فرماید:

«ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید اگر پرهیزگار باشید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند.»

از این آیه می‌توان دریافت که زنان بستر لازم برای بروز و ظهور بی‌عفتی را ایجاد می‌کنند و مردانی را که زمینه بی‌عفتی در وجودشان هست و به تعبیر قرآن از شخصیتی بیمار برخوردارند را به دنبال خود می‌کشاند به عبارت دیگر کلید ابراز وجود این بیماری، زن است. (جمشیدی، صفحه ۱۵۶)

### ۳. عفت عمومی و ارتباط آن با پوشش:

گاهی شرایط نامناسب اجتماعی، نتایج نامطلوبی به دنبال دارد. در موارد بسیاری ناهنجاری‌ها سبب انزوای زن متعبد و متصلب بر تعالیم می‌شود. بسیاری از کسانی که عادت کرده‌اند چون با



مشکل برخورد کردند به جای چاره جویی از بنیاد، با همه چیز مخالفت کنند و نسخه منع بیچند در مواردی چنین گویا برای حرمت زن! معتقد به محبوس شدن او در خانه و غیره شده‌اند اما اسلام با برخورد اصولی مشکل را برطرف ساخته و زمینه رشد و تعالی زن را فراهم نموده است. اسلام می‌کوشد نارسایی‌ها، ضعف‌ها و ناهنجاری‌های جامعه را اصلاح کند و با طرح برنامه‌هایی راهگشا و رساندن جامعه به سلامت اصیل خود زمینه حضور تمام آحاد آن را فراهم آورد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### - عفت عمومی:

حفاظت و مراقبت از عفت عمومی بر عهده زنان و مردان است، مردان با غیرت فردی و اجتماعی و زنان با آزر و حیا، باید عفت عمومی جامعه را پاس بدارند.

#### - غیرت فردی:

مرد پاسدار حرمت زن و نگهبان کرامت ناموس است. اعمال قدرت و قیومت که خداوند آن را برای مردان رقم زده است زمینه این پاسداری و حراست از ساحت نوامیس است. غیرت، استواری، فرازمندی، راستی، حراست، پاک‌نگری و پاک‌کرداری است.

حضرت صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«خداوند متعال غیرتمند است و هر شخص باغیرت را دوست دارد، خداوند به جهت باغیرت بودن، فواحش یعنی گناهان ظاهری و باطنی را حرام کرده است» (حسینی لیلابی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۱)

#### - تعادل در غیرت:

افراط و تفریط، همواره پدیده‌ها و تلاش‌ها را از نتیجه مطلوب و رسیدن به مقصود بازمی‌دارد. پرهیز از افراط و تفریط در این باره باید مورد توجه مردان قرار گیرد چراکه اعمال غیرت چون از مدار شایسته اش بیرون رود خود، ناهنجار و فسادزا خواهد بود.

حضرت علی (علیه‌السلام) از زیاده‌روی آن بر حذر داشته و فرموده‌اند:

«از غیرت نابجا (نسبت به زنان) پرهیز که آن زن سالم را به بیماری می‌کشاند و پاک‌دامن را به بدگمانی. بلکه درباره آنان محکم‌کاری کن. آنگاه اگر عیبی دیدی در مجازات کوچک و بزرگ



درنگ مکن.» (محمدی ری شهری، ص ۴۳۹، ش ۴۹۳۳)

در کنار این قبیل هشدارها و نهی از افراط و زیاده‌روی‌ها، نسبت به تفریط و بی‌توجهی در غیرت نیز اسلام داد سخن داده است. مردی که تحت تأثیر تبلیغات بیگانه از هویت اصیل خود خارج گشته و از خود واقعی غافل شده، زن را همچون متاعی مادی تلقی کرده و شخصیت خود را در داشتن زنی مزین و آراسته جست‌وجو می‌کند که مجازات این اعمال نزد خداوند برای مرد اگر بیشتر از زن نباشد کمتر هم نیست.

قال النبی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«... و الْمَرْءُ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ دَارِهِا مُتَزَيِّنَةً مُنْعَطِرَةً وِ الزَّوْجِ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِزَوْجِهَا قَدِمٌ

بَيْتٌ فِي النَّارِ» (محمدی ری شهری، ص ۴۳۹، ش ۴۹۳۳)

هر زنی که خود را بیاراید و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خداوند در قبال هر قدمی که برمی‌دارد برای شوهرش خانه‌ای در دوزخ بنا خواهد کرد.

- غیرت اجتماعی:

انسان مسلمان، در جامعه اسلامی حیثیتی شخصی دارد و حیثیتی مکتبی و اسلامی، ناموسی شخصی دارد و ناموسی اسلامی و مکتبی. انسان مؤمن ناهنجاری اجتماعی را به همان سان که بر زن و ناموس خود برنمی‌تابد و حیثیت ربایی از زن و فرزند خود را تحمل نمی‌کند این همه را درباره زن مسلمان نیز نباید تحمل کند. از «غیرت اجتماعی» این حقیقت را قصد کرده‌ایم.

مردان موظف هستند در مقابل بی‌مبالاتی‌ها، مرز شکنی‌ها و حرمت زدایی‌ها بایستند، نسبت به هر زن مسلمانی که باشد و خود هرگز به شکستن مرزها نزدیک نشوند و زمینه‌های حرمت شکنی از ناموس اسلامی را فراهم نیاورند و فقط در چنین اجتماعی است که از سلامت شخصیت زن خود و حراست از حرمت ناموس خود نیز می‌توانند مطمئن باشند.

- حیا عمومی:

زن مسلمان با رفتاری متناسب و متین، زمینه گسترش عفت را فراهم می‌سازد. اساساً روح پوشش، کنترل رفتار و رعایت وقار و متانت است و چنان چه به پوشش ظاهری بسنده شود و



ملکه تقوای رفتاری در زن به وجود نیاید حجاب همچون کالبد بدون روح خواهد بود که تأثیر مطلوب را نخواهد گذاشت.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در معرفی بهترین زن می فرماید:  
«خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَقِيْقَةُ الْعَلْمَةُ»: بهترین زنان شما، زنان عقیف و پاکدامن شوهر دوست هستند.  
(محمدی ری شهری، ص ۴۳۹)

در مورد حیای زن گفته شده، حیاء پاداش های خود را پس انداز می کند و در نتیجه نیرو شجاعت مرد را بالا می برد و او را به اقدامات مهمم وا می دارد.

#### ۴. روش های ترویج حیا و عفاف:

آموزش حجاب در مدارس

تشویق

فعالیت های علمی، فرهنگی، هنری

ترویج فرهنگ غیرت

«يا ايها الذين آمنوا قُواْ اَنْفُسَكُمْ وَاٰهْلِيْكُمْ نَاراً وَقُوْذُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» (تحریم/۶)

نگهداری خویش به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوت سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است.

نظارت لازم بر رسانه های جمعی

فعالیت های مؤثر قوای سه گانه

امر به معروف و نهی از منکر

تقویت پایه های حجاب:

خانواده ها، خصوصاً مادران که مسئولیت سنگین تری در تربیت دختران و ارتباط بیش تری با آن ها دارند، خود در مواجهه با نامحرم از حجاب کامل، مثل چادر استفاده نمایند تا از این طریق



فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و با تمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند. البته در کنار تمرین و عادت دادن آنان، لازم است مادران ابعاد مختلف حجاب و پوشش و فواید آن را برای دختران تبیین و آن‌ها را به رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق و در انتخاب دوستان آن‌ها توجه نمایند که به مسائل شرعی و از جمله رعایت حجاب مقید باشند.



### نتیجه بحث

با مطالعه این مطالب می‌توان دریافت که حجاب و پوشش، گزینه جنسی مردان و زنان را تعدیل می‌کند و آن‌ها را از هواپرستی و پیروی از هوای نفس بازمی‌دارد و نقش مهمی در جلوگیری از طغیان نفس اماره دارد.

نهاد خانواده با پاسداری از حیا و حجاب، درخشش و بالندگی لازم را پیدا خواهد کرد و موجب استحکام و استواری جوامع بشری و حفظ ارزش و شخصیت زن می‌شود.



### منابع و مأخذ

\* قرآن کریم

۱. اکبری، محمود. مروارید عفاف. قم: انتشارات ظفر، ۱۳۸۰.

۲. بخش فارسی مؤسسه جهانی سبئین (ع). حجاب حریم پاکی ها. قم: ۱۳۸۶.

۳. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۴ ش.



۴. جمشیدی، اسدالله. فصلنامه تخصصی طهورا، قم: مدرسه عالی شهیده بنت الهدی، شماره ۱، ۱۳۸۷.
۵. حسین زاده، علی. همسران سازگار راهکارهای سازگاری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۷. رشیدی، حسین. حجرب عفاف و حجاب از دیدگاه آیات و روایات، قم: رازبان، ۱۳۸۵.
۸. سید ابراهیم، حسینی لیلابی. آمال الواعظین، قم: ابتکار دانش، ۱۳۸۸.
۹. طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۱. فتاحی زاده، فتحیه. حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۲. فرید تنکابنی، مرتضی. نهج الفصاحه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۳. قاسمی، مرضیه. بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و روایات، قم: هزاره ققنوس، ۱۳۸۷.
۱۴. قاضی زاده، دکتر کاظم و احمدی سلمانی، علی. کتاب زنان، شماره ۳۶، قم: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶.
۱۵. کمالی، فاطمه. فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۰، قم: مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد. منتخب میزان الحکمه، قم: سازمان چاپ و نشر حدیث، ۱۳۸۷.
۱۸. مطهری، مرتضی. مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۶.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، قم: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۲.

